

دعوت اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دع الی سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن

(المسلم مرآت اخیه)

عالیترین دستورات مفیده بحال جامعه، بلکه یگانه وسیله سعادت بشریت و فرزانه اصلاح کمنده حیثیات ملی، در این بک جمله از کلام معجز نظام نبوی صا است که فرموده است ﴿المسلم مرآت اخیه﴾ یعنی یکی از وظایف مهمه شخص مسلم اینست که عیوب برادر مسلم خودرا در باید و اورا آگهی دهد، و از نواقص و معایب انسانی مطلعش نماید، و جهات ضعف و مبانی فساد را باو بنمایاند و در عین این تذکر آن مسلم دیگر کلمات و توضیحات برادر دینی خود را بگوش صداقت و صفا اصفا کند و عیب جوئی برادر خودرا حمل بر غرض نماید،

تا در مقام اصلاح آن جهات خود را حاضر نموده و دامان شرافت خود را از هر منقصت و زشتی پاکیزه سازد ! هزار افسوس !!!

خرابی کار ما ، ویرانی جا معه ما ، مستند بیک جهه و دو جهه نیست (!) بلکه جهانی دارد ، اصلاح جامعه اسلامی و نظم هیئت اجتماعی و عزت و شرافت قومیه بسته است به (صفا و سلامت روح) (التزام بدیانت) * اتصاف باخلاق پسندیده * ، این سه جمله از مهیات اولیه و اصل و مبنای شرافت بشریت و یگانه وسیله سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است ، از این مرحله که فراغت حاصل و این اصل و اساس که مهیا و مستحکم گردید آنوقت اصول دیگری را محتاجیم * رفع احتیاج از اجانب * * قطع ایادی دزدان و ستمکاران * (جمع آوری و حفظ ثغور مادی و روحانی) ، لابد اهل معنی تصدیق دارند که هر يك از این جملات چندین شعبه از مقاصد مشروع و تکلیفیه ما را متضمن است ! لذا از بسط در جزئیات و خصوصیات آن خود داری نمودیم تمام نقطه نظر از دخول در این قسمت از مرام آنکه ، زمامداریات و عهدنامه داران ، جریانات امور ، یعنی منشأ های صلاح و فساد و سر مشق دهندگان نیکی و بدی متذکر شوند بیک جهه عمده مهمه ، تا در مقام عمل بر آیند ، تا در بر تو سعی و عمل آنان ، ملت عقب افتاده هم از دنیا و هم از آخرت ، سر مشق گرفته و قدم در جاده احساسات و عوالم انسانیت گذارند (!) کدام است آن جهه فراموش شده ؟ چیست آن مهجور بی معین ؟ هر چه هست در تقدیم جملات اولیه خوابیده * صفا و سلامت روح (!) * * التزام بدیانت * * اتصاف باخلاق پسندیده * روح های مسلمانها مکدر و مریض است ، التزامات دینی ضعیف و بی اثر است ، مکارم

اخلاق و جهات مہیجہ صلاح و سداد غیر معمول بہ و بجای آن صفات و ملکات
 رذیلہ حکمفرما است! چہ را؟! ما را چہ شدہ؟!!

آیا با این خرابی اساسی و سستی پایہ ہر چہ ہار کھای روح بخش و آرایشات
 صوری تشکیل یابد بقدر خردلی مفید بحال ما میباشد؟ آیا تا از استحکام این
 اصل اصیل فارغ شدہ با اصول بعدیہ پرداختن چہ صورتی دارد؟ ما باید بگردیم
 دشمن خود را پیدا کنیم، سبب فساد عقاید و اخلاق را کشف نمائیم، جہت
 وحشت از دیانت و عداوت با دستورات الہی را بفہمیم، حس حقوق ملی را بہ
 کلہ مسلمانان زریق کنیم، دشمن ما زیاد است، با اینکہ عقلا فرمودہ اند (دشمن
 یکنفر زیاد و دوست صد نفر کم) ہزاران دشمن خون آشام داریم؛ و یکنفر دوست
 سراغ نداریم، اگر باشد دوست نادان! یعنی توقعی ہم نباید داشتہ باشیم، در
 صورتیکہ حساً می بینیم کہ خودمان دشمن خودمان هستیم؛ از دیگران چہ
 انتظاری؟!؟! ہزاران دشمن بیگانہ یکطرف؛ با یک دشمن خانگی مقایسہ نمی
 شود؛ دشمن خانگی کدام است؟ جہل است، ضعف دیانت است، نداشتن یقین
 و سر تا سر تقلید بودن است، از چند ہی این طرف بتدیج این قسمت در از دیاد و
 کثرت در نتیجہ غفلت مریبان، و دسیسہ دشمنان! وقتی کہ یکمدہ مہمہ
 از ملتی از این قبیل اشخاص تشکیل یابد، چند قدم بیش بگردان فنا و ذلت باقی
 نماندہ؛ از او بہ یک اشارہ از ما بسر دویدن! خوشبختانہ (!) ہجوم ہا درکار
 است؛ خلط با اجانب؛ استماع مطالب ضد دیانت؛ نفہمیدن معنای حریت؛
 وسعت دائرہ منکرات؛ شیوع فواحش و محرمات؛

— نہ — ہنوز دشمن اہلی و دزد خانگی را عرض نکردہ ام، آیا در نظر

دارید قضایای صفتین و انحراف مسلمین را از امر المؤمنین علی علیه السلام و مسبوقید مردم نهروان بر آنچه خارج شدند از دین و با حجت مطلقه الهیه در مقام ستیزه بر آمدند؟ چیزی که بزودی اهل حق را زبون نمود و روزگار را بکام دشمن کرد؛ همانا این کلمه بود **لا حکم الا لله** که بر حسب ظاهر این کلمه خیلی صحیح و غیر قابل انکار است - نیست حکمی مگر از برای خدا ولی مقصود نه این بود - کلمه حق اربد به الباطل - تا کسی باطل را بلباس حق در نیارود نمیتواند در ملاء عام راه زنی نماید، صورت حرف خوب ولی مقصود باطل!

حال امروز هم دشمن اهلی و دزد خانگی ملت اسلام همین است، هر کس هر مطلبی و مقصود و غرضی دارد او را بلباس حقیقت و قیافه حق بچایب در آورده، در معرض میگذارد، بیچاره عوام چه کند؟ در محفل بهائی میروند آیات قرآنی اخبار نبوی استماع میکنند، در مجمع نصاری میروند آیات قرآنی، آیه الکرسی مشاهده میکنند شهادت قرآن، بدستش میدهند؛ جزوه اخلاقی باو ارائه میدهند، آنهم بجانی؛ با کمال ملائمت، و بشاشت و ملاطفت، در منظره اهل عرفان حاضر میشود سر تا سر آیات و اخبار و تفسیر می بینند، کتاب مرحوم مجلسی رحمة الله علیه مشاهده میکنند، پای منبر مسلمین می نشینند، همه را آیات و اخبار و کلمات و نصایح شافیه استماع میکنند؛ مجله ما را میخوانند آیات و فلسفه احکام و مبارزه با باطل و دفاع با اغیار و دزدان راه دیانت می بینند و در هر يك از موارد مسطوره حس و وجدان او حاکم است بر صدق و حقیقت مطلب، آنوقت عملیات بهائی و مغز عقایدشان را بیرون میآورد، غیر از زندقه و لادینی و طبیعت پرستی و دنیا طلبی چیزی نیست، رفتار و اعمال نصاری را می

بیند موافقت با مسموعات او ندارد ، حرکات و سکنات اهل عرفان را مشاهده میکند ، بر خلاف آنچه نوشته و گفته اند عمل مینمایند ، همقطاران و همدبنان و پیشقدمان خود را می بیند اعمال و رفتار آنان باعث شبهه و ضلالت او میشود ، مطالبه قیمت اشتراك ما را میشوند باعث دلسردی او میشود ! خوب ، تکلیفاین بیچاره چیست ؟ کدام را قبول کند ؟ بدلات کدام يك اعتماد حاصل نماید ؟ دنبال کدامین فرقه را بگیرد ؟ خودش هم که عرض شد سر تا سر تقلید است ، ابتدا بوئی از یقین بمشامش نرسیده ، اینها راجع به مینا و فساد اصلی ، و اما حیثیات مفسده ظاهری و نتایج آن رو . هر طرف میکند چیزهای موافق با طبع و ملائیم با دلخواه خود مشاهده مینماید صدهای خوب ، جاهلای خوب منظره و فضای روح بخش ، عمارات خوب ، لباس های خوب ، رفقای خوب ، اخلاق خوب ، - آخر الامر با آن وضعیات اصولی و با این حیثیات ظاهری آنوقت چه باید بشود غیر از همین است که دیده و می بینیم ؟ آیا با انصافی تصدیق دارد که یگانه عیب کار ، و منشأ و برائی جامعه اسلامی و فساد اخلاق و هجران دیانت و عدم یدشرف حق از این گذارشات است ؟ آن مینا و اصل که مانند وادی ظلمانی فی علامت ، این دزدان راه دیانت ، این وضعیات مهیج طبیعت ، چاره چیست ؟ چکنیم ؟ آیا کسی هست که در اطراف این قسمت غور و دقت نماید با فتونی هست که کمر اصلاح و معالجه این امراض مزمنه و مرمت این خرابیها را به بندد ؟ علاقمندان بشرافت کجایند که این عالم بآس و رذالت و عناد و نفاق را با امیدواری و متانت و راستی و اتفاق مبدل فرمایند ؟ از متصفین با تدبیر قضاوت می طلبیم ، آیا با این خرابی اصل و فساد منشأ ممکن است هزاران تمشیت ملکی

و تنظیم اساسی مفید فایده باشد؛ میگوئیم تمسیت ملکی نباید داد، میگوئیم دست از حفظ حدود مادی و تنظیم اساسی باید برداشت، تعقیب این امور فوق العاده لازم است، میگوئیم در قسمت دیانت هم باید عطف توجهی بشود، معارف اسلامی هم باید منظم گردد، از نشر عقاید فاسده باید جلو گیری شود، تشکیل محافل مختلفه باید تجدید و رسیدگی شود، از انتشارات و آنتریکات اجانب باید منع و دفاع شود، مسلمانان هم باید تشکیل هیئات دینی و تبلیغات مذهبی بدهند باید در مقام تنفیذ احکام اسلام از دولت متبوعه خود و از یگانه مایه امیدواری خود - شاهنشاه اسلام پناه - استعانت بجوئیم، باید ریشه نفاق و دوئیت و خود خواهی را از بن برکنار کنیم، باید آئینه تربیت و تصفیه یکدیگر باشیم، نه آئینه دق! باید مراقب اخلاق و عقاید و اعمال یکدیگر باشیم، المسلم مرآت اخیه، باید داخل خود را تصفیه نمائیم، باید دزد خانگی را اعدام نمائیم، ما باید با هم برادر باشیم، باید اخلاق و ذیله را از جامعه اسلامی دور کرده مکارم اخلاق و محاسن صفات را تهیه نمائیم، باید، باید، باید، باید، باید، باید، وظیفه مسلمانان خیلی است؛ لوازم دیانت زیاد است، نه - بلکه وظایف انسانیت است، لوازم مدنیت است، سعادت دنیا است، عزت دنیا است، ثروت دنیا است، استقلال مملکت است، اقتدار دولت است،

گر مسلمانان از این است که حافظ دارد و ای اگر از پس امروز بود فردائی برای اشخاصی که میگویند امروز نقد فردا نسبه؛ کسی از فردا خبر ندارد گر وطن خواهی از این است که ماها داریم دشمن از بهر تعدی چه کند پروائی

برادران اسلامی - ای هموطنان نامی ؛ خواب تا چند غفلت تا کی ؟ و وضعیت

امروزه دارد با ما امام حجت مینماید ، در این عصر و در تحت این لوا هر کسی بمقاصد خویش نایل میشود ؛ برایچه از حقوق ملی خود تعقیب نمیکند ؛ برایچه در مقام اصلاحات خودتان بر نمی آئید ؛ دولت متبوعه ما هزاران اعلان حریت داده ؛ چرا بدیده سابق بوضعیات خود نظر میکنید ؛ چشم باز کنید حس پیدا کنید ، هر حق مشروعی دارید از دولت با شهامت خود مطالبه و در یافت دارید ؛ قانون راجع بشما ملت است و کیل برای شما ملت است ، تمام این زحمات و جان فشانی های جوانان غیور برای تحصیل آسایش و رفاهیت شما ملت است ؛ از منکرات و فواحش جلوگیری کنید ، اگر افراد مسلم ملت حس اسلامی و غیرت دینی داشته باشند جهت چیست هر روز فواحش و منکرات شیوع پیدا میکنند ، مسلمانان بشرافت اسلام قسم احکام این دین حنیف کهنه نمی شود ، تا دامنه قیامت باقی است و کلمه مقدسه اسلام بالاخره فایق و غالب بر هر چیز است ، اگر چندی بهمین خون سردی و بیحسی بسر برید دیگر حجتی ندارید نمکفی ندارید ؛ وضعیت بکلی مخمل بلآزادی شما خواهد بود ، ای غیرتمندان اسلامی ، ناموس محترم شما در خطر است ، و از انتشارات واهییه آثار یأس و تسلیم در شما ظاهر شده بر عموم ملت اسلام معلوم باد ، که حجاب زن مسلم بر داشته نمیشود هیئت دولت ما مسلمان هستند و دارای نوامیس محترمه هستند راضی نمیشوند بهتک پرده کیان اسلامی ، بسبب چهار کلمه انتشارات اراجیف و بارتیهای اغیار خود را کم نکنید و ابدأ ترتیب اثر ندهید ، جان و مال و اعتبار

و حیثیات بک جامعه اسلامی بالای حجاب نسوان خوابیده همان قسمیکه خود و ناموس خود را میخواهید جان و ناموس و مال برادران دینی خود را هم بخواید یکدیگر را از معایب کار مسبوق کنید و آئینه محافطت یکدیگر باشید - دار اختیار است - اتفاق . اتفاق ، دست از نفاق بردارید تیشه رو بخود نباشید ؛ غفلت و گرانجانی بس است - تحصیل یقین ؛ حس دیانت ؛ ثبات قدم ؛ علم ؛ صنعت اتفاق ؛ شرافت ؛ مسامت ؛ ترحم ؛ اطلاع از حال یکدیگر ؛ خیانت نکردن بمال و ناموس یکدیگر ؛ تعدی ندادن ؛ صداقت ؛ امانت ؛ غیرت ؛ سعی ؛ اهتمام ؛ اینست اسلام ؛ باقی والسلام

(دعوت اسلامی)

بقلم سید محمد سعید حسنی غیرت زاده

(مظهر مظلومیت)

هلال خون آلود و غم انگیز محرم از گوشه افق قلوب خونین سر بر آورده و با یکمنظره جان کدازی مشغول خود نمائی است این هلال خونین با دکار روز هائی است که یکانه مظهر مظلومیت و فرزانه مجاهد اسلام برای واژگون نمودن بیبرق کفر و ظلم و انهدام کاخ ظالمان و برکندن اساس بیداد و ستم از هستی خود صرف نظر نموده ، خون طیب خود و جوانان رشید و باران با شهامت خود را برای استحکام مبانی شریعت جشش * ص * نثار نموده و بوسیله این فداکاری